



جانسون و ترامپ؛ رهبرانی که از پس کشورداری بر نمی‌آیند

"آن‌ها در کنار یکدیگر رشد کردند و اکنون با یکدیگر در حال سقوط هستند. آن‌ها دو رهبری هستند که از پس کار سخت کشورداری بر نمی‌آیند."

"آن‌ها در کنار یکدیگر رشد کردند و اکنون با یکدیگر در حال سقوط هستند. آن‌ها دو رهبری هستند که از پس کار سخت کشورداری بر نمی‌آیند."

به گزارش ایسنا، ریچارد وولف در مطلبی با اشاره به بحران‌های پیش روی بوریس جانسون و دونالد ترامپ، رهبران آمریکا و بریتانیا و عملکرد آن‌ها می‌نویسد: «سه سال است پروژه "دو - بو" - دسیسه‌ای برای هراس افکنی جهانی به ریاست دونالد ترامپ و بوریس جانسون، با کمک‌های حیاتی اندکی از جانب ولادیمیر پوتین - بیشتر هنجارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ما را در بر گرفته است.

در لحظه پیروزی اولیه آن‌ها، ما تنها توانستیم شوکه شده و هراسان به تماشا بنشینیم که آن‌ها چگونه چطور برخی از عالی‌ترین ائتلاف‌های دیپلماتیک، نظامی و تجاری را تضعیف کردند. نیازی به گفتن ندارد که هیچ نوع حس انسجام فرهنگی هم وجود نداشت.

چه کسی فراموش می‌کند که ترامپ در اولین گفت‌وگو با رسانه‌ای بریتانیایی بعد از پیروزی در انتخابات با مایکل گوو مصاحبه کرد که در گذشته و آینده حامی بریگزیت است؟ ترامپ به طرز عجیبی در این مصاحبه گفت: ترامپ می‌گوید بریگزیت اتفاق می‌افتد و این اتفاق می‌افتد. همه فکر می‌کنند من دیوانه‌ام.

آقای رئیس‌جمهوری، آن‌ها هنوز همین فکر را می‌کنند. خصوصا وقتی به یاد می‌آورند که شما در آن مصاحبه به توافق تجاری فوری با بریتانیا وعده دادید و آن را برای "دو طرف" خوب دانستید.

سال ۲۰۱۶ تنها راه توجیه موفقیت شکست‌آور به اصطلاح پوپولیست فرض این مساله بود که تمام فرضیات غلط است؛ این انقلابی جهانی بود که ما آنقدر آن را نادیده گرفتیم که دیر شد. این پروژه با حمایت نیروهای تاریک ضد اطلاعات دیجیتال و هدف‌گیری رسانه‌های احتمالی، قطعا غیر قابل توقف بود.

تا همین الان. در سال چهارم دیوانگی جمعی ما، پروژه دو - بو (دونالد-بوریس) راهش را به دنیای حقیقت باز کرده است. با گذشته سه سال پر تلاش، بوریس هنوز به بریگزیت محبوبش دست نیافته و دونالد به دیوار مورد علاقه اش در مرز مکزیک نرسیده است. بوریس نتوانسته اروپا را به واگذاری امتیازات بیشتر وادار کند و دونالد هم از مجبور کردن مکزیک به پرداخت هزینه‌ها بازمانده است.

بوریس اکثریت محافظه کاران در پارلمان را از دست داده است و دونالد دیگر اکثریت جمهوری خواهان در مجلس نمایندگان آمریکا را ندارد. مشخص می‌شود که هر دو آن‌ها در یافتن دشمنان خیالی در داخل بسیار بهتر از دوستان جدید خارجی عمل می‌کنند و در این بحبوحه، از نامه‌های عاشقانه کیم جونگ اون صرف نظر می‌کنیم.

ترامپ چهارشنبه به خبرنگاران گفت: او از دوستان من است و هیچ شکمی درباره آن وجود ندارد. بوریس هم می‌داند که چطور پیروز شود. نگران او نباشید.

البته سخنان ترامپ دقیقا در زمانی بیان شد که جانسون رای مجلس عوام را از دست داد تا جلوی بریگزیت بدون توافق گرفته شود. اگر بوریس می‌دانست که چطور پیروز شود، این بهترین زمان بود تا اندکی از راه‌های پیروزی خود را به نمایش بگذارد.

این لحظه همگی ما را به ارزیابی تجزیه و تحلیل‌های اولیه خودمان از ناسیونالیسم راست افراطی که زمانی ترجیح داده می‌شد پوپولیسم خطاب شود، فرا می‌خواند. بوریس جانسون ۳۱ درصد مقبولیت در بریتانیا دارد و حمایت از ترامپ تنها ۳۹ درصد است. ترامپ در نظرسنجی‌های هفته‌های اخیر بعد از تمامی دموکرات‌های سرشناس قرار گرفته است. ما چندین هفته با نزدیکترین انتخابات در بریتانیا و بیش از یک سال تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا زمان داریم.

بوریس جانسون و دونالد ترامپ هر دو مدعی هستند که بزرگترین مذاکره کنندگان جهان هستند اما حتی به توافق کردن هم نزدیک نشدند. ترامپ ۱۸ ماه پیش در توییتی مدعی شد "جنگ های تجاری خوب هستند و بردن در آن ها آسان است" اما حال تجارت آمریکا در سراسیبه سقوط است و کشاورزان آمریکایی وضعیت ناخوشایندی دارند. این ادعای ترامپ مبنی بر این که پکن مایل به توافق است، همان قدر اعتبار دارد که ادعای بوریس درباره بروکسل.

این چالش اساسی پروژه دو-بو است؛ ساختار دولت بسیار سخت تر از رسانه اجتماعی است. در بعضی مواقع شما باید چیزی نزدیک به وعده هایتان را محقق کنید، در غیر اینصورت مردم ناراضی می شوند. اعتماد دائمی نیست. به همین دلیل، فاشیست های واقعی می دانند که بعد از غصب قدرت برای بلند مدت نمی توانند دموکراسی را تاب بیاورند.

در نهایت، دونالد و بوریس سقوط خواهند کرد، نه به خاطر استراتژیست ها یا شعارهایشان بلکه به خاطر خودشان. آن ها هر دو مردان تنبلی هستند که به خودشان زحمت نمی دهند که آماده سوالات شوند و هرگز زحمت کار واقعی به خودشان نمی دهند. آن ها هر دو فرصت طلبانی هستند که اگر حامی کافی اطرافشان نباشد، علیه حامیان خودشان می شوند. در عوض، این مردان نتوانستند حمایت کافی برای مواضع به اصطلاح پوپولیستی خودشان بیابند.

باراک اوباما نوشته ای در دفترش داشت، با این مضمون که کارهای سخت، سخت هستند. این به روزهای سخت او برای تصویب اصلاحات اوباما کر باز می گشت. برای بوریس و دونالد، کارهای ساده سخت هستند. چیزهای سخت هم هرگز اتفاق نمی افتند.»